



تهران؛ جایی که مسئولیت، ملی می‌شود

سخن استandar



محمدصادق معتمدیان

استاندار تهران

هفته دولت در تقویم جمهوری اسلامی، یادآور منش خدمتگزاری شهیدان رجایی و باهنر و فرصتی برای بازخوانی نسبت دولت و مردم است. این مناسبت صرفاً موعد ارائه کارنامه دستگاه‌ها نیست؛ زمان پاسخ‌گویی روشن درباره حاصل تصمیم‌هاست. اعتبار هر برنامه نیز آنگاه آشکار می‌شود که مردم اثر آن را در مدرسه، درمان، آب، راه، بازار، تولید و امنیت زندگی روزمره خود احساس کنند.

تهران، صورت فشرده‌ای از ظرفیت‌ها و مسائل ایران امروز است. در جغرافیایی کمتر از یک درصد مساحت کشور، بخش بزرگی از جمعیت، اقتصاد، صنعت، دانش، مدیریت و خدمات ملی تمرکز یافته است. این تمرکز، در کنار فرصت‌های کم‌ظفر، ناترازی آب و انرژی، تراکم جمعیت، آلودگی هوا، فرسودگی حمل‌ونقل، کمبود مدرسه و تخت بیمارستانی و توسعه نامتوازن را به مسائلی درهم‌تنیده تبدیل کرده است. ازاین‌رو، اداره تهران با الگوهای متعارف یک واحد استانی ممکن نیست؛ مسائل آن ابعادی ملی دارد و پاسخ به آن نیز نیازمند تصمیم ملی، هماهنگی نهادهی، برنامه منسجم و حضور مسئولانه در میدان است. در یک سال گذشته کوشیدیم نظام تصمیم‌گیری استان را بر شناخت بی‌واسطه مسئله، هم‌افزایی دستگاه‌ها و پیگیری مصوبه تا حصول نتیجه استوار کنیم. دور نخست سفرهای شهرستانی، همه ۱۶ شهرستان را دربر گرفت و ۶۷۲ مصوبه بر پایه نیازهای واقعی هر منطقه شکل گرفت. دور دوم سفرها از پردیس آغاز شد تا به پرونده‌های پیشین بازگردیم، موانع باقی‌مانده را در سطوح استانی و ملی برطرف کنیم و نتیجه هر تصمیم را در همان جایی بسنجیم که مسئله شکل گرفته است. در این الگو، سفرها پایان جلسه خاتمه نمی‌یابد؛ مسئولیت تا تحقق نتیجه ادامه دارد.

نمره این رویکرد در بسته هفته دولت ۱۴۰۵ قابل مشاهده است: ۱،۲۳۱ پروژه عمرانی و اقتصادی با بیش از ۸۱،۰۲ همت اعتبار و سرمایه‌گذاری؛ شامل ۱،۱۸۳ پروژه عمرانی با ۵۳،۰۲ همت و ۴۸ پروژه اقتصادی با بیش از ۲۸ همت که نزدیک به ۲،۵۰۰ فرصت شغلی فراهم می‌کند. در حوزه آموزش نیز طی دو دوره، ۲۲۷ مدرسه و ۲،۶۸۷ کلاس درس به ظرفیت استان افزوده شده و هم‌زمان طرح‌های آب‌رسانی، سلامت، راه، مسکن، کشاورزی، ورزش، عمران شهری و روستایی و انرژی خورشیدی پیش رفته است. این ارقام، نشانه تبدیل مسائل انباشته به برنامه‌های زمان‌دار، مسئولیت‌های معین و نتایج قابل سنجش است. کارنامه این دوره تنها در پروژه‌های عمرانی و اقتصادی خلاصه نمی‌شود. جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه رمضان، توان اداره استان را در دشوارترین شرایط آزمود. استمرار آب، برق، گاز، ارتباطات، درمان، نان، سوخت و تأمین کالاهای اساسی، آغاز بازسازی مراکز آسیب‌دیده، میزبانی آیین وداع و بدرقه رهبر شهید و پشتیبانی از مراسم اربعین، حاصل مجاهدت شبانه‌روزی مجموعه گسترده‌ای از نیروهای اجرایی، امدادی و انتظامی، شهرداری‌ها، گروه‌های مردمی و بخش خصوصی بود. این تجربه بار دیگر نشان داد که تاب‌آوری پایتخت، بیش از هر چیز به فرماندهی یکپارچه، آمادگی نهادهی، مشارکت مردم و اعتماد عمومی وابسته است.

با همه اقداماتی که صورت گرفته، راه پیش‌رو همچنان دشوار و مسئولیت ما سنگین است. جبران کمبودهای آموزشی و درمانی، تأمین پایدار آب و انرژی، نوسازی حمل‌ونقل عمومی، ساماندهی جمعیت و اتباع، کاهش آلودگی هوا، توسعه انرژی‌های پاک، حمایت از تولید و برقراری توازن میان جمعیت و زیرساخت، به تصمیم‌های بلندمدت و پیگیری بی‌وقفه نیاز دارد.

دولت در استان تهران، خود را نه صاحب یک کارنامه، بلکه امانت‌دار مسئولیتی ملی در برابر مردم می‌داند. دولت آماده برای ما نقطه پایان گزارش نیست؛ موعد تجدید پیمان برای مرحله‌ای تازه از خدمت، اصلاح کاستی‌ها و استمرار راهی است که معیار قضاوت درباره آن روشن خواهد بود: نتیجه‌ای که مردم در زندگی خود ببینند و شاخصی که بتوان آن را با صداقت سنجید.

از صورت مسئله‌ای که در آبان ۱۴۰۳ پیش روی مدیریت استان قرار داشت تا کارنامه قابل سنجش هفته دولت ۱۴۰۵

۱۹ برابر

تراکم نسبت به میانگین کشور

نزدیک ۴ میلیون

جمعیت شناور روزانه

بیش از ۱۵ میلیون

جمعیت ساکن در ۱۶ شهرستان

۰٫۸٪

سهام استان از مساحت کشور

ظرفیت ملی، زیرساخت نامتوازن

تهران بیش از یک سوم درآمدهای کشور را محقق می‌کند و با استقرار ۵۲ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان، دست‌کم هشت دانشگاه مرجع و مادر و شبکه بزرگی از بنگاه‌های اقتصادی، کانون تولید دانش، سرمایه و تصمیم است. بااین حال، کمبود حدود ۱۳ هزار کلاس درس، پایین بودن سرانه تخت بیمارستانی و

انباشت نزدیک به ۱،۴۵۰ پروژه نیمه‌تمام، فاصله زیرساختی استان را آشکار می‌کند. در برخی مناطق، تراکم کلاس به حدود ۴۸ دانش‌آموز می‌رسید و پروژه درمانی با پیشرفت بیش از ۷۰ درصد، برای تکمیل به حدود هفت همت نیاز داشتند.



حکمرانی متناسب با پایتخت

باشند. «اکنون در هفته دولت ۱۴۰۵، کارنامه ۱،۲۳۱ پروژه با بیش از ۸۱،۰۲ همت اعتبار و سرمایه‌گذاری، نشان می‌دهد شناخت نظام مسائل استان به دو بسته روشن «عمران و زیرساخت» و «اقتصاد، تولید و معیشت» تبدیل شده است. صفحات بعد، نتیجه این مسیر و دیگر مأموریت‌های ملی و استانی تهران را با آمار تفصیلی روایت می‌کنند.

در پرونده حرم نیز با تکلیفی نزدیک به سه دهه‌ای و در موضوع کمیسیون ماده ۵، تعارض هم‌زمانی نظارت و اجرا، به دستور کار اصلاح حکمرانی تبدیل شد تا بازگذاری تازه تنها پس از سنجش آب، مدرسه، درمان، راه و محیط زیست انجام شود. «مسئله تهران، کمبود ظرفیت نیست؛ فاصله میان ظرفیت‌های ملی و زیرساخت‌هایی است که باید پاسخ‌گوی این وزن ملی

تمرکزدها دستگاه ملی و استانی، گاه به تداخل مسئولیت و پراکندگی پاسخ‌گویی می‌انجامید. پاسخ، اختیار متناسب با مسئولیت، فرماندهی هماهنگ و پیوند تصمیم ملی با اجرای محلی بود. حضور استاندار تهران و عضو دائم هیات دولت در هیات دولت، پیگیری ظرفیت اصل ۱۲۷، سفرهای میدانی و بازگشت در دور دوم برای سنجش نتیجه، این الگو را عملیاتی کرد.

ابرچالش‌های زنجیره‌ای

متناسب، بر ترافیک و آلودگی افزوده بود. رشد اقتصاد استان نیز با محدودیت آب، زمین، انرژی و ظرفیت زیست‌محیطی روبه‌رو شد؛ ازاین رو آینده تهران باید بیش از توسعه صنایع پرمصرف، بر بهره‌وری، فناوری، خدمات پیشرفته و تولید دانش بنیان تکیه کند.

آب، انرژی، ترافیک، آلودگی هوا و فرونشست، پرونده‌هایی جدا از هم نبودند. افزایش جمعیت مصرف منابع را بالا برده، برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی فرونشست سالانه ۱۲ تا ۲۵ سانتی‌متری را در برخی پهنه‌ها رقم زده و توسعه سکونتگاه‌ها بدون حمل‌ونقل عمومی



با دستور رئیس‌جمهور و پیشنهاد وزیر کشور، در راستای تقویت حکمرانی پایتخت

تهران در متن تصمیم‌های ملی قرار گرفت

عضویت دائم استاندار تهران در هیأت دولت؛ کوتاه‌شدن فاصله مسئله تا تصمیم

امکان طرح مستقیم مسائل پایتخت و هماهنگی سریع‌تر با وزارتخانه‌ها را فراهم کرده است. از آن زمان، پرونده‌هایی چون آب و انرژی، بارگذاری جمعیتی، آموزش، درمان، حمل‌ونقل، حرم و ساماندهی لکه‌های صنعتی، بی‌واسطه در سطح ملی پیگیری می‌شوند؛ سازوکاری که وزن واقعی تهران را در نظام تصمیم‌گیری کشور بازتاب داده و فاصله میان شناخت مسئله و اجرای راه‌حل را کوتاه‌تر کرده است.

مسائل تهران به دلیل تمرکز جمعیت، اقتصاد، زیرساخت‌های حیاتی و خدمات ملی، از حدود یک استان فراتر می‌رود و حل آنها به تصمیم‌های هماهنگ در سطح کشور نیاز دارد. بر همین اساس، محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران، از ۲۸ آبان ۱۴۰۴ با دستور رئیس‌جمهور به عضویت دائم هیأت دولت درآمد. این تصمیم، در کنار بهره‌گیری از ظرفیت اصل ۱۲۷ قانون اساسی،

تهران در نقطه آغاز؛ یک درصد جغرافیا، یک پنجم جمعیت



برخورداری نیز فقط میان تهران و دیگر استان‌ها نبود؛ میان شهر تهران و ۱۵ شهرستان دیگر هم در کیفیت و دسترسی به خدمات عمومی فاصله‌ای محسوس وجود داشت.

در آبان ۱۴۰۳، مدیریت تازه استان با جغرافیایی روبه‌رو بود که ظرفیت‌های ملی و ناترازی‌های تاریخی را یک‌جا در خود جمع کرده بود. تهران تنها هشت‌دهم درصد مساحت کشور را در بر می‌گیرد، اما نزدیک به ۲۰ درصد جمعیت ایران در آن سکونت دارند. درحالی‌که متوسط تراکم کشور ۴۹ نفر در هر کیلومتر مربع است، این رقم در تهران به حدود ۹۷۵ نفر می‌رسد. تمرکز خدمات ملی، روزانه نزدیک به چهار میلیون جمعیت شناور را نیز وارد استان می‌کند و بار شبکه آب، انرژی، درمان و حمل‌ونقل را فراتر از جمعیت ساکن می‌برد.

در برآورد مدیریتی آغاز دوره، بارگذاری جمعیت تا سه برابر توان اکولوژیک استان توصیف می‌شد. مهاجرت داخلی، گسترش سکونتگاه‌های پیرامونی، حضور اتباع و تمرکز خدمات، تقاضا برای مدرسه، بیمارستان، مسکن و راه را سریع‌تر از ظرفیت زیرساخت‌ها افزایش داده بود. شکاف